

صاحب امتیاز : م . غبار
مدیر مسئول : ع . خروش
آرامه : جاده اندرابی ۱۶ کابل
تلفون

وطن

اشتراک :
۵۰ افغانی -
یکشماره :
۵۰ پول
هر پنجشنبه نشر میشود
شماره اول

سال اول

بنام خداوند دانا و توانا - جریده هفتگی -

مردم ما که بعد از عبور چندین قرن از سراز خواب و غفلت بیدار شده و در راه زندگی جدید جهانی قدم گذاشته اند. میروند که غفلت و غلایف اجتماعی خویش را احساس نمایند. و با حفظ این ماهستیم در مشرق زمین که امروز میخوانیم از حیات تمدن و سطحی در ساختن زندگی جدید بشری داخل شویم. پس طبعاً درازی و پیشرفت بهت بخندی در کار داریم.

آری ما این چهار صد پیش ازین قسمت بزرگی از بشر رسایه اختراعات و اکتشافات جغرافیائی و تجدید صنعتی و ادبی، با انهدام بنیان ملوک الطوائفی پادشاهان جدید و حیات جدید گذشتند. در حالیکه تا سی سال پیش در دو دسته بقیه السیف زندگی کهبند قرون و سطحی چسبیده بودیم.

همچنان تقریباً دو صد سال میگذرد و مجامع بشری بنوعی حیات بخش فلاسفه نویسندگان عالمفامی چون لاک، منتسکو، ولتر، و روسو از برترتای تسلیم و انقیاد نسبت بقدرت مطلقه حکومات، و گودال عدم مساوات و اجتماع، و فقدان آزادی در امور ذاتی، برآمده و وارد محله درخشنده قرون معاصر گردیدند و تشریک در طلیعه آن « اعلامیه حقوق بشر » یعنی حق مالکیت، قنیت، تساوی حقوق مردم در برابر قانون آزادی شخصی در گفتار و کردار مثل غور شب و صبح بخشی قرار داشت و اما تا ایام معاصر و انگشت شماری پیش ازین از تمام این نعمای بزرگ بشری محروم، و حتی از تلفظ آن ممنوع بودیم.

این بهت که میگوئیم در روی کره خاک آخرین علمی هستیم که در برتر و دورتر از همه در سیر تاریخ تحول و تکامل بشری افغان و غلطان رواییم. ولی بحکم طبیعت انسانی این تاخر و پشمانگی ابد اسبب ناامیدی دول شکسته گئی نمیکرد. برعکس روح سعی و قوه کوشش در حد اعظم آن با بخشید تا برای تلافی ما فاست و برای دفع آفات ما برای خنثی حیات -
بقدر در صفت چهار ستون اصلی

تاسیس حل ۱۳۳۰ تحول اقتصادی

اصلاً حیات اجتماعی بطرز حرکت و سیر تکر انسان خرد و از معدودی کمالی مطلوب چیز دیگری نبوده تحول و تبدل از میز او خوس ثابت است. ترقی مرگ است در هر رشته و در هر امری از امور اجتماعی که باشد. از نظر فلسفه تاریخ این تحول و تکامل اجتماعی و اقتصادی بدو شکل ظاهر نماید. یکی تحول فیزیکی و ثانوی صورت گرفته اختراعات تغییر ذهنی و فکری و علمی او و امتداد بها اوضاع سیاسی و اقتصادی را تغییر میدهد اما این تبدلات بگذشته متعلق بود و شکستگی در تاریخ و در دینیکند و دیگر آنکه در بعضی از زمینه تاریخ در افروختن فوق العاده اختراعات و ابداعات علمی و معنوی بشر که سالیان دراز بالقوه در پیکر اجتماع جا گرفته از فرصتیکه در نتیجه این حوادث رخ میدید پست نمانده و در یک مرتبه چنان تحول و تبدلی را در حیات و ظاهر آن وارد میکنند که میرود و تاریخ را منقطع و خلا فاصل بین دو دوره و یاد و عهد تاریخی میکشد. تلفیق جدید و نهوض اجتماعی و سیاسی چون سیل خروشان اساسات سیاسی و اجتماعی بشر را در گون میسازد. گمان اغلب اندرین است که دنیای گشت و یام امروز در آستانه چنین تحول کلی و اساسی قدم نهاده باشد این تحول با وصف عمومیت خود در همه ممالک عالم بیک درجه شدت نبوده و در هر ملک آنچه را بر همان جامعه تحول و تجدید تصور میتوان کرد باری آورد. اما البته همین تحول است هر کجا باشد شمه از رنگ و بوی همان نهوض عمومی جهان در آن سراغ میگردد و وطن ما که نیز جزئی از همین دنیا است بحکم طبیعت از تحولات آن برکنار نماند نمی تواند. امروز در سرتاسر کنونی و کابل تا مراکش از مشرق افعلی تا امریکای جنوبی و اروپا پدیدار و جنبش اند. هر ملت قدیمی بسوی غلبه لیون خود خیز میگذرد. آن یکی برای از افلاک و سلسل اسارت اجنبی و دیگری برای برائی از تیر و یوزهای محلی و ملی مبارزه و سعی میکنند. در رأس همه این حرکت و جنبش و در افلاک کویه این ناامیدها امید دارند و تقریباً توکل بر سوسیالیست معشیت بخت و قوه ترا حاکم میگردد. در وطن نیز کوشش و حرکت که در افلاک حاکم است و شکایت از فقر و تنگدستی است و بدین علت

میخواهم در آینده بوسیله این نامه نظریات و افکار خود را به امور اجتماعی و
 علی الخصوص اقتصادی معطوف نموده محاسن و فواید فراوان و نارسائیهای آنرا
 فایده سازیم و پیچیدگی که درین گیر و دار دارد بحد درجی از مدارج اقتصاد را قرار
 گرفته ایم اقتصاد را می باید و جایز که نام مقام است اقتصاد و بین المللی از اموال
 دنیا چه بنویسیم و طریق همکاری اقتصادی با ملل دور و نزدیک کدام است
 دور چنین زمان و مکانی وظیفه نسل جوان و منور و مملکت متفکر من قوم پرست
 مایمان داریم این نظریات خواه اقتصادی خواه فزونی و یا شعور قی باشد
 در داخل و خارج ما مستند به حقایق ثابت و متغیر اند هر گونه اغراض فردی و
 بود با این عقیده حکم سعی خواهیم نمود که راه مشی اقتصادی آن اقتصاد را که
 مطلوب است پیدا و او را به نفع تمام ممکن است بجهت عدم انس این نظریات
 بعضی با ما منتهی به اشک نظریات بلند بالای غیر علمی نمایند ولی باید گوئیم
 که ما طرز اندیشیدن بر امری از نوعی استفاده و بحساب زمان و عمل میباشیم
 اما در خویش هر چه میگوئیم و بنا میجوئیم بحد از افکار در گنجه نوا هر فریبند های
 که شکلی به نفع شخصی یا اجتماعی بود و در استفاده از ادبی یا غیر ادبی از اجل و
 فقرات و مردم نفع گوید و بسبب تمیزات که در مابین و معرفت اشکال آن را در
 برای ترقی اقتصادی میداریم اما وسیله آن را مستقیماً یا غیر مستقیم هر یک
 اختراص و مشهورات غیر قابل اطمینان ثروت و کثرت و یا انحصارات شخصی
 نمی دانیم بلکه تشویق و ترغیب به سعی عمل و ایستادن بود و آمدن انحصارات
 ملی و امری می بیند و هم این امر بدین و فرقی بین ترغیب و تشویق و انحصار
 شخصی می برسی پوشیده نیست همین طور ملل از هم کشایند هر گونه ادعای
 طبقه جوان را تو چه بهر چه عدم تجربه و نهایت پستی نهایی اند نظریات اقتصاد
 خویش همیشه با اعتدال بوده و خواهیم بود و آن اعتدال که معیار ارف
 به اعتدال و زوال امر مجادله و خاموشی است و تشویق و تشویق و تشویق
 مردم گردد. امید داریم که هدف و مرام ترشیت و تصدی اقتصادی منفعت است
 اما نه منفعت نهاییه مظهر در از بدین رفعت منفعت که سابق احاطه اقتصادی
 نمی باشیم اما جز و قطعاً عدالت اجتماعی را در همه شئون اقتصادی اعم از
 اقتضای و یا تار و الیات خواستار و طالعیم همچنین بسته و بسته دیگری
 که در خارج و در داخل و دیده اند هر نوع تبدل و تغییر در اساس افکار و
 ستر و افکار من و هم چنین و نمود میگویند که محیط حاضر باستماع این سخن و فهمیدن این

از هر طرف :

میگویند

میگویند قانون انحصارات دولتی از شعور می گذشت .

نزد اکنه نشتر شود .

میگویند معاشناسان سوری را یاد می شود .

کاش از درک نرخ بوره نباشد .

میگویند با ششین های برق و بافت خرید میشود .

بشرط آنکه انتظار بلند رفتن نرخ نکشند .

میگویند قانون باله بر باید است تعدیل میشود .

بهتر است تطبیق شود .

میگویند ریاست بلدیه انجمن و مجلس کلاً از حذف نموده .

آیا و کلاهی تواند موارد ۳۰۰ و ۳۰۰ و ۳۰۰

قانون را تطبیق کنند ؟

میگویند و کلاً وسیله ای برای اقتصاد و قانون ندارد .

این دیگر من مربوط نیست .

اینها از سبب بیگونی و فاجه و آتش گزین که در اثر اتفاقات طبیعتی شده و
 و محیط را که یکم نه تنها مستعد این اصلاً حاکم مخالف آن می بیند اند مثلاً اگر گوئیم
 و قضیه و فرایم کردن کار مردم که سوره و ادیان ما تحت سوره بشری لازم و فایده
 تأییدات اجتماعی و لو هر قدر کم و ناچیز باشد نه تنها باینکه درین است و راستی و
 بخوانند بهر صورت ما این قبیل حضرات میگوئیم که یکم تاریخ عالم و سن سیر کامل بشر
 و آسودگی اقتصادی که تا سچ است و باج انجمنی بوده آغاز و طبع سخن از هر
 و از هر موقوفه اقتصادی و اجتماعی هر قدر کم و ناچیز است و میگوئیم که مطلوب است
 و علی الرغم به حیات و منفی با اینها این مرز بوم نبود باشد که شاید فاجه و ترقی
 اقتصادی را در اعوش کشند. اما چنانچه سبب سیم هر چه و هر نظر را در نظر بگیریم
 بی پایا بشر خوشبختی نه سوره و فقط کس نیست و عمل و جرت و احتیاج دارد و همچنین
 به سبب مانع یا رادعی در برابر استفاده ما از تجارب همایه گان که
 در این راه قدمی از ما جلو تر رفته اند و وجود دارند و در هر حال قبول باید کرد
 که هیچگونه ترقیات اجتماعی بخیر از ترقی اقتصادی و بلند رفتن
 سوره حیات می هم منفعت و هم میسر است و بر عکس
 اقتصاد و حیات نهایی اتفاق با هم است .
 باز سنگی قوت بر نیز نماند .
 انطاس غنا از کف نفوذ

نقت ایران مال ملت - مسئله کانال - پیام تراکش - پیشرفت تعرض محتاط - رکود و اکر است

پهران پس از واقعه قتل نرزم آراء لایحه ملی شدن نفت بسرعت از مجلسین پارلمان ایران گذشت و ایکت در انتظار صیقل یافته است. اما حسین علاء که امور تشکیل کابینه گردیده بود بدین مقصد موقت نشد دولت انگلستان از جدیت مجلسین ایران مسئله نفت مشغول گردید. یار دشت تقدیر امیری بدولت ایران خستاد این یار دشت را در بدو ماسی حق حاکمیت ایران را در امور داخل ملک استخوان تجاویز اقتصاد و اجتماعی ترویج میکند. تجاویز که حکومت فعلی انگلستان ملی از غم مخالفین در داخل ملک خود در امور زغال و دیگر اشیا تطبیق کرده میگویند حزب کارگر انگلستان وقتیکه از دانش عبور میکند از هر محافظ کاری محافظه کارتر است. اتلی و مورسین سعی دارند ازین فرصت مساعد برای اثبات این مقوله بجهت غلطم استفاده کنند.

تاریخ ۲۸ محلی دیگر از کنگره متخص اقتصاد و وزیر معارف کابینه نرزم آراء از طرف یک نفر متعلم الفرب کنگره مخرج شد مفهوم سیاسی این قضیه هنوز معلوم نیست.

قاهره مسئله ملی شدن نفت ایران کفای در ازمان ملل شرق نزدیک دارد نموده. وزیر نامه ای الیوم و المعری قاهره تقاضا میکند که حکومت مصر فوراً کانال سوئز را ملی بسازد و دست اجنبی را از شاهزادگی ملک کوتاه کند. مجلس شاهان کرد کابینه او مصمم است آخرین ملایم استعمار از ملک براندازد و حزب ملی عراق تصمیم گرفت در مجلس از حکومت در باب ملی شدن نفت عراق، استیضاح کند.

پارسی: بمنزله نردون گفت در تراکش خبری نیست. واقعا از چهار دهه اخیر مناسبت که بدور ملک ترکو کشیده شده اخبار هیچ بخان عبور کرده نمی تواند. و اما در مرکز عربی که بدقت نگران اوضاع هستند گفته می که مردم تراکش شدت برای استقلال خود مبارزه میکنند و اکنون در حدود ۳۰۰۰۰ نفره پیران عرب استقلال توقیف شدند.

پنجان در چندین مقام است ازادی خزان علیه فرانسه شربت ادا دارد چند نفوس است که قوای مادی و معنوی ملک فرانسه که در ترون گذشته همیشه راه اندازی و ترمین بر عرف چشمه همواره بر کس در تمام نقاط پای

فنی اسرار است مذکور بجهت مشاهده است ۱۱۱

کابل: مفتی غلطم غلطمین که یکسری از مردم بزرگ عالم شرق است بدعت حکومت افغانستان بکابل آمده و از طرف ملت آزادی پرست افغان با او صمیمیت پذیرائی شده و در دیام ملت بهمان حکومت افغانستان هستند همچنان که گئی نائب معاون وزارت خارجه امریکا مسافرت مختصری بکابل نمود.

سنون: قوای ملل متحده و دولت های تحت کورهای جنوبی گردید و تعرض محتاطا به تدریج به مداره میسرند یک مقصود. و از این جهت یک خبر داده که استوار در کتبی و عده امداد است روسین بدولت کوریا تکرار نموده. جنگ کوریا پس از طی یک دوره مکمل فتح و شکست میسرود که باز به نقطه آغاز حرکت واصل شده هرگاه ملل متحده بدین فرصت را برای حل این معضله از طریق میانجیگری پیدا کنند و با تجاوز از خط ۳۸ شش شاه سابقه را تکرار نماید پیشرفت بیپایان خواهد بود. ندهند شاید این قضیه که یک نیم قیمت است قیمت بین المللی تمام شود.

کابل: خبر یان یا فتن انحصار قنده و نزول ذریعه جلان شرکت قنده ساز بگوش رسیده. معلوم میشود در اول محل این انحصار سالخورده های نهاده با انحصار دولتی می سپارد. هرگاه در وزیر موظف درین موقع به لایحه انحصار شرکت عطف نظر کرده تحقیق نمایند که شرکت تا کجا تعهدات خود را ادا و بیلان عملیات دوازده ساله آن از نظر اقتصاد ملی چه داده است و نتیجه تحقیقات را نشر کند شاید خالی از فایده نباشد.

دبی جدید: یک عده از نویسندگان همراز انگلیس به مدت هنوز نظر نداشتند شایسته ای که در راه صلح و سلام گیتی انجام داده و با یکدیگر فرستاده آیا مطلع هستید؟

م. فرینگ: که در سال ۱۳۲۵ در ۱۰ محاکم قضایی افغانستان ۲۴۴ دعوای حقوقی، ۱۸۴۲ دعوای مجازاتی و ۱۰ دعوای دیگر گردیده است.

که تا سال ۱۳۲۵ در افغانستان ۲۳۳ کتب تهذیبی و علمی و متون و مسکلی و فاکتور موجود بود و در سال ۱۳۲۵ ۲۶۰۱ حکم و ۱۳۳۳ حکم صادر و تحویل داده.

و بالاخره برای جلب سعادت از این استخوان و استفاده و استفاده و تاثیر

در میان مردم که این حیث المجموعه باین جد و جبهه عرق آلوده و فلفله
مکلفه و عقیده ناما و طبقه متورین کشورگران تر و حمید تر و منید تر است
و لهذا حکم این عقیده است که با اقلیت بصاحت و استقامت خود بنیم
و بسط طبع و نشر روزنامه و وطن ساخته فعالیت های نظری - که مقدمه هر
خدمات عملی اجتماعیت - برای طبقه منور و جوان مملکت آوده بناییم
و با مصمم هستیم درین راه مبارک توانائی محقر خویش را وقف کنیم
البته مرام و نصب العین ما روزنامه و وطن بشکل ثابت و پایدار و ادبی
عبارت خواهد بود از:

نشر اصول دیو که اسی در کلیه مشنون اجتماع ملکیت با ساحت
مشروطه شایبی بمعنی مساوات عموم مردم بدون قید و رجمان نژاد
زبان، مذهب، ولایت، قبیله و غیره، و بمعنی آزادی قانونی عموم
در گفتار و کردار، کسب و کار، اجتماع و اقامت و مسافرت، و بمعنی
تفکیک قوای ثلاثه دولت تعیین حدود و مسئولیت هر یک بمعنی
ال و جان و حقوق مردم از تعدی و تجاوز و تعیین مجازات با حکام محلی
مسالمة، بکذا اتقوی و وحدت ملی با ستاد تاریخ مشترک، و وطن مشترک، و اتفاق
که از آغاز تاریخ تا امروز مردم افغانستان را در سلطه وادعیت ضلالت
ساخته است. و از آن طریق خط منافع عامه اعم از امور مستخدم نافع
و کارگر، معاول و معیوب، بر محیط وضع قوانین و ایجاد موسسات
و بحث در اطراف مسائل همه معارف، اقتصاد و حفظ العظمی عمومی همچون
سپاهان و بزرگ اقوال و اعمالی که نوعی از انواع تمامیت و نیست و استقلال
خاک را جرح و دودست میدهد، و ممانی و دیو که اسی انقضای حقوق جمعی را
این است آرام و نصب تعیین کارکنان و وطن که تعقیب خواهد شد
این نکته قابل تذکر است که اتنی نظر وطن و مسیعر از آنست که در نشریات
خویش - ما و دیگر حیات و سعادت جامعه منظور او است - به اشخاص
و افراد معینی عصب یا به برادران و عزیزان وطن فرد را بر که باشند من حیث
هر چه می شناسد، بلکه اعمال و افغانی را مورد تخریب و اشتداد قرار خواهد داد
که در سر زشت کشور کم یا بیش متفرق باشد پس نشریات و اشتداد وطن
بهیچ وجه و کسی نیست، بچی و موج احوالی از امور اجتماعی خواهد بود.

ازم چادمان و مریدان مشهور

در بابیکه قانون نباشد و باید بشیخه تطبیق از وقت نشود و لهذا مستویست مال و
روم منتهی ندهد و بعضا مال او را بگیرد و محاکم و محاکم علنی و تطبیقی جواب
خلافی بصل نمی آید پس همچنین فساد استبداد سیاسی در روح مردم هم دارد و
نویسند و متفکرین خصوصاً تاثیر همگین کنند از خوف و اضطراب بپایان
ختمیکه این فشار باعث است اقتصاد می تواند گردید دیگر کار تمام نیست زیرا که
اقتصادی اختراعات را اند فوس مردم بر می گیرند و در اثر ترس حرص آدم
بدان سیاه خلق و جدید بازی میزند در چنین حالتی است که کینه انسانها روح
شجاعت اخلاقی خودش از دست داده از مصالح و مفاد اجتماعی دل بر می بردند
پس باین ترس حرص برای حفظ جان و سد جمع اسب تند و کاسه لیبی
بر چهره کشیده به انشاء تصایید مشور و منطوم می پردازد و این که مدوح اگر تازی
ستون آسمان و اگر سیاسی آفتاب رخشان و اگر کم سواد می هست افلاک
زمان جلوه میکند و فی الحال اگر روح متعلق منسوب چنگلی است که از نظر قذافی
مالی و لوازم مدنی و کتبی می باشد از آنکه عالم باشد و چنان دانند و میکنند که
در روی زمین لذت راضی ترین و آسوده ترین خوش بخت ترین کشور می جهان است
این بچاره تا بعد از کی چنان بد است و محال خوش بختی که دیگر هیچ نمیدانند و بر آن
مثلاً در وطن خرس قرن بیستم و گشت نامیده باشند و مردوزن را بخواب بخار می عت از
سوی خود فرو برده اند سستی عظمی گردن گرفته اند

اگر می نهد و دیگر نیز هستند که چنین نمی نمایند و ولی از خدمات جدی ایشان
هم سر باز میزنند، اینها برای آنکه جیب خود را پر از ثروت، باده و خالطه و قمار
مفسده و هزاره سوگند مردم عالی میکنند هنوز وقت فرصت بسیار میگذرد
قابل کوشش نبوده و در هر قدم خطر موجود است. پس خدای مهربان اینها را قضا
این عده منحوری باقی میماند که سنگینی وظیفه اجتماعی بروشان افتاده و دلیرانه پا
میدان خدمت میکنند. و شک نیست که حکم تقدیر و تاریخ در حال
حالت حصه بزرگی میگیرند. خوشش بخدا که در جامعه ما این عده آخری
هر روز بشکل روزافزون و بی خالی گامهای اجتماعی را برمیکنند،
و امید وطن را بسوی خود میکشند. م. غ.

نفرود یا فرود مسموم، زیرا با ما هیچ فردی مخالفت و یا محبت شخصی نداریم، مگر در وقت
 انقضای، دیگر شفا در او پس در هر موضوعیکه باشد محض ظاهر و بی نتیجی، بلکه
 بانف نداشتن را برای اصلاحی و عملی نژاد مسموم خواهد بود.

م. خیار